

2- الفاظ مربوط به متولی و ناظر

۲- الفاظ مربوط به متولی و ناظر

۷۴۱. اگر واقف، تولیت وقف را بعد از خودش برای مطلق علما و مجتهدین قرار دهد، آیا یکی از علمایی که مجتهد نیست حق دارد امور تولیت را در اختیار بگیرد؟

جواب: تا زمانی که احرار نشود که مقصود واقف از علما خصوص مجتهدین است، تولیت وقف توسط عالم دینی اشکال ندارد هر چند حائز رتبه اجتهاد نباشد.

اطلاق علمیت بر اعلم در فقه

۷۴۲. در وقفنامه مرحوم آقای حاج آقا رضا رقباتی وقف بر تعزیه داری حضرت سید الشهداء (ع) گردیده، واقف محترم تولیت بعد از خود را نسلاً بعد از نسل به اولاد ارشد خود با قید صفات اعلم و اورع ذکر فرموده و در صورت انقراض اولاد به مجتهد اعلم و اورع قصبه واگذار فرموده‌اینک سؤال از محضر مبارک این است که با توجه به مراتب فوق آیا اهل علم به معنای مصطلح کلمه (روحانی و معمم بودن) و تحصیلات حوزوی داشتن برای اولاد ارشد متقاضی تولیت شرط است یا خیر؟ مضافاً آیا احرار تقوی و عدالت در مدعی تولیت مذکور لازم است یا خیر؟

جواب: میزان بر حسب ظاهر عبارت اعلم و اورع، علمیت در علم فقه است.

مرجع تشخیص (اصلح و اتقی و اورع)

۷۴۳. واقف امر تولیت بعد از خود را در دو وقفنامه و در رقبات متعدد به دو صورت ذکر نموده، در وقفنامه اول امر تولیت به اینجانب و در وقفنامه دوم امر تولیت به اصلح و اورع و اتقی اولاد واقف نسلاً بعد از نسل ذکر گردیده. حال با توجه به شرح بالا، آیا اینجانب حق انتخاب متولی بعد از خود را دارم یا خیر؟ و با توجه به صفاتی که برای متولی ذکر گردیده، چه کسی توانایی شناخت و انتخاب اصلح، اورع و اتقی اولاد را از بین چند نفر فرزند دارد؟ متولی یا اداره اوقاف و امور خیریه؟ این شناخت برای کدام یک میسر است؟

جواب: اگر طبق نظر واقف حق تعیین متولی به شما واگذار شده می‌توانید برای موقوفه متولی تعیین نمائید و شناخت اصلح و اورع و اتقی با کسانی است که به احوال آنان آشنائی دارند و در صورت اختلاف آنان باید به حاکم شرع مراجعه شود.

دلالت استعمال ارشد و اتقی

۷۴۴. در شرایط وقفنامه قید گردیده که تولیت آن مادام حیات با خود واقفه و بعد از ایشان با اولاد ذکور واقفه می‌باشد، نسل بعد از نسل بطناً بعد بطن و طبقه بعد از طبقه و در صورت انقراض اولاد ذکور با اولاد اناث واقفه بوده باشد، آن هم با تقدم ارشد و اتقی در هر طبقه‌هم اکنون تولیت موقوفه با اینجانب ولد ذکور و ارشد می‌باشد که دارای پنج اولاد می‌باشم، پسر ارشد معلول ذهنی و جسمی می‌باشد که خوب و بد را از هم تمیز نمی‌دهد، دومین پسر از نظر جسمانی سالم ولی متأسفانه تدین و تقوای لازمه را برای تولیت موقوفه ندارد. اما سومین پسر اگر چه ارشدیت سنی ندارد ولی از لحاظ تدین و تقوا لیاقت تولیت موقوفه را از جمیع جهات دارد و مطمئن هستم که مفاد وقفنامه را دقیقاً اجرا می‌نماید.

با عنایت به مراتب فوق و اطمینان اینکه بعد از اینجانب مفاد وقفنامه از لحاظ منافع همه ساله به نحو احسن صرف روضه خوانی و تعزیه داری حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل العباس (ع) گردد، خواهشمند است ضمن راهنمایی دستور لازم را صادر فرمائید.

جواب: آن طور که از وقفنامه نقل کرده اید که ارشد و اتقی بودن در متولی شرط شده در فرض سؤال احتیاط مراجعه به حاکم شرع برای تعیین متولی است.

۷۴۵. در شرایط وقف نامه قید گردیده که تولیت آن مادام الحیات با خود واقفه و بعد از نسل، بطناً بعد بطن و طبقه بعد طبقه و در صورت انقراض اولاد ذکور با اولاد اناث واقفه بوده باشد، آنهم با تقدم ارشد و اتقی در هر طبقه. پسر ارشد اول بیمار و معلول ذهنی و جسمی می‌باشد، دومین پسر از نظر جسمانی و روانی سالم ولی تدین و تقوای لازمه را ندارد، سومین پسر اگر چه شرایط ارشدیت را ندارد ولی دیانت، تقوا و

لیاقت تولیت موقوفه را از جمیع جهات دارد، با عنایت به مراتب فوق تکلیف تولیت موقوفه چیست؟

جواب: در مورد سؤال، تولیت وقف بعد از جنابعالی بر عهده پسر سوم است و در فرض مرقوم، او ارشد و اتقی می باشد زیرا ارشد به معنای درک عقلی بهتر می باشد نه داشتن سن و سال زیادت، و برای رفع شبهه اگر پسر سوم از ناحیه حاکم شرع هم احتیاطاً منصوب شود خوب است.

۷۴۶. در شرائط تولیت موقوفه فرموده: اولاً به نفس نفیس و ذات شریف خود مادام الحیات بارک الله تعالی فی عمره و بعد از آن بآسن ارشد ذکور اولاد نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب و اگر در طبقه عالی رشید نباشد در هر طبقه از نسل او که رشید باشد تولیت از آن او باشد. الف) مستدعی است بیان فرمائید که منظور واقف از ارشدیه چیست آیا ارشدیت سنی است و یا ارشدیت کفایتی و درایتی است؟ ب) آیا ملاک تولیت اُسْنِیت است یا ارشدیت؟ ج) اگر امر دائر باشد بین اُسْنِیت و ارشدیت کدام یک مقدم می باشد؟

جواب: الف) مفاد ظاهر عبارت فوق الاشارة اعتبار وصف اسن بعد از وصف ارشد است که باید علاوه بر دارا بودن تدبیر و درایت و کفایت بیشتر از بقیه بزرگتر و اُسْن از بین رشیدها باشد. ب) ملاک هر دو صفت است که باید علاوه بر ارشدیت اُسْن از بین رشیدها باشد. ج) اگر اُسْن اولاد ارشد اولاد نباشد نوبت تولیت به فالأسن ارشد اولاد می رسد بدین معنی که پس از ملاحظه ارشدیت نوبت رعایت اُسْنِیت می رسد، و اگر دو نفر از نظر رشد و سن متساوی با هم و بالاتر و برتر از بقیه باشند تولیت به هر دو نفرشان می رسد، و اگر غیر اُسْن، ارشد و اُسْن از بقیه باشد تولیت با او خواهد بود.

مراد از ارشد اولاد

۷۴۷. منظور از ارشد اولاد، اکبر اولاد است یا خیر توضیح بفرمائید. بعد از فوت ارشد عین موقوفه مثل مال میت تقسیم می شود بین ورثه یا خیر؟ و آیا به ارشد می رسد در صورت تقسیم نشدن یا خیر و به چه کسی می رسد؟

جواب: چنانچه از نظر تدبیر و درایت فرقی ندارد اکبر اولاد ارشد آنها است. عین موقوفه به ارث نمی رسد تا تقسیم شود و باید از آن در جهت وقف استفاده شود، و متولی وقف همان است که در وقفنامه ذکر شده است.

مدیر غیر متولی

۷۴۸. واقف در وقفنامه تولیت را مخصوص خودش قرارداده با حق التولیه که نصف عایدات باشد. الف) آیا در مقدار زائد از اجرت المثل، وقف صحیح است و وقف به نفس محسوب نیست؟ ب) بعد از فوت خود مدیریت عمل در موقوفات را برای سه نفر از اهالی قرار داده آیا عنوان مدیر همان معنی متولی را دارد؟ ج) محل مصرف عایدات را عمران و فقراء و حمامات که در وقفنامه نامبرده شده قرار داده آیا طبق همین تعیین باید عمل شود یا صرف در جاهای دیگر هم مجاز می باشد؟

جواب: الف) فرض مزبور وقف بر نفس نیست. ب) احتیاط آن است که به حاکم شرع مراجعه کنند مگر در صورتی که احراز شود که منظور واقف از مدیر جعل تولیت است. ج) عوائد وقف باید در همان جهت وقف که تعیین شده صرف شود.

مراد از نسلاً بعد نسل

۷۴۹. اولاً: چند قطعه زمین به شرح سند که پیوست است توسط شخصی وقف شده که عواید آن در مراسم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مصرف گردد، تولیت وقف ادامه پیدا کرد تا بعد از ۳ نسل در حال حاضر بر تولیت آن ایجاد مشکل شده است و سؤالات زیر مطرح است، مستدعی است حکم خداوند منان را بیان فرمایید: آخرین متولی وقف که اخیراً فوت شده دارای ۳ فرزند ذکور می باشد و دارای ۲ برادر و برادرزاده و پسر عمو با وجود چنین افراد تولیت با کیست؟

ثانیاً: آیا جمله نسلاً بعد از نسل و همچنین طبقه بعد طبقه که در وقفنامه قید شده بیانگر انتقال تولیت فقط از پدر به پسر و با اینکه به دیگران از فامیلان ذکور خانوار (برادر- برادرزاده- پسر عمو) نیز قابل انتقال می باشد؟ ترتیب اولویت با کیست؟ ثالثاً: اگر تولیت این زمین ها بر عهده فرزندان میت می باشد، آیا تولیت بر فرزند بزرگتر می باشد (با توجه به سند) یا بر همه اولاد ذکور می باشد؟ اگر عهده همه می باشد اگر یکی از فرزندان در غیاب دو نفر دیگر زمین ها را به شخصی اجازه دهد آیا تولیت با این عمل او برگردن او حتمی می شود و از دیگر برادران خارج می شود یا خیر با هم بر عهده همه برادران می باشد؟

جواب: اولاً: ظاهر این است که با وجود اولاد ذکور در نسل متقدم نوبت به نسل متأخر نمی رسد بنابر این با وجود برادران متولی که اولاد

مشارالیهها هستند نوبت به فرزندان متولی نمی رسد.

ثانیا: از مسئله قبل معلوم شد.

ثالثا: ظاهر این است که بین فرزندان در تولیت فرقی نیست.

۷۵۰. آیا اگر از بین برادران یکی به نیابت از دیگران تولیت را اداره کند بعد از فوت او به فرزند او می رسد یا به برادران دیگر او؟

جواب: با وجود یک نفر در نسل متقدم نوبت به نسل متأخر نمی رسد

۷۵۱. طبق وقفنامه متولی موقوفه بعد از فوت واقف، مربوط به اولاد ذکور واقف و بعد از انقراض اولاد ذکور واقف به اولاد ذکور اناث واقف منتقل می شود، واقف یک پسر داشت که متولی موقوفه بعد از فوت واقف شد و بعد از فوت پسر واقف پسر بی نداشت و فقط یک دختر صغیره از پسر واقف باقی مانده ولی دختر ارشد واقف پسر داشت که به حکم مرحوم آیت الله شیخ کبیر پسر دختر واقف متولی موقوفه شد نسلاً بعد نسل پس از زمان طولانی آن دختر پسر واقف شوهر کرد و دارای پسر شد حال بعد از گذشت حدود هشتاد سال پسر این دختر یعنی نوه پسر واقف مدعی است که من متولی زمین موقوفه هستم و حکم مرحوم آیت الله شیخ کبیر بلا اثر است تقاضا می شود که حکم شرعی را بیان فرمائید که مورد نیاز است، والسلام.

جواب: وقف نامه صراحت دارد که تولیت با اولاد مزبور است نسلاً بعد از نسل و بطناً بعد بطن، پس با وجود فرزند ذکور از اناث در نسل متقدم نوبت به فرزند ذکور از اناث در نسل بعدی نمی رسد.

۷۵۲. در وقفنامه ای امر تولیت برای نسلهای بعدی به صورت نسلاً بعد از نسل و بطناً بعد از بطن تصریح شده است اینک سؤال شرعی از محضران این است:

آیا با وجود متقاضی تولیت در نسل قبلی نسل بعدی می تواند مدعی تولیت باشد یا خیر؟

جواب: با وجود فرد صالح برای تولیت در نسل قبلی نوبت به نسل بعدی نمی رسد.

مانعیت طبقه اقرب نسبت به ابعد

۷۵۳. در وقفنامه ای شرایط متولی را چنین ذکر فرموده است: « امر تولیت مفوض است بنص جناب (واقف) بسوی اکبر و اصلح و ارشد و اورع ذکور از صلب واقف، و مراد از ارشد کسی که قوه استمناء و انتفاع او از موقوفه بیشتر از سایرین باشد و هکذا ارشد و اصلح و اورع اولاد، اولاد ذکور هلم جراً، و طبقه اقرب به واقف منع ابعد می نماید و در صورت انقراض اولاد، اولاد ذکور مفوض است امر تولیت با اولاد اوناث از صلب واقف.»

سؤال: آیا اگر در طبقه اقرب به واقف فرد جامع الشرایط فوق الذکر نبود اگر چه اکبر بود و یا لااقل ارشدیت نداشت آیا امر تولیت موقوفه مذکور به طبقه قریب از اولاد ذکور با داشتن همه شرایط در وقف نامه می رسد یا خیر؟

جواب: ظاهر عبارت این است که در هر طبقه اکبر و ارشد و اصلح و اورع در همان طبقه تولیت دارد بنابراین اگر واجد صفات در طبقه متقدم موجود است تولیت با او است هر چند در طبقه بعد ارشد بلکه اکبر ارشد از او موجود باشد.

متولی بودن بزرگترین پسر خانواده ازهر نسل

۷۵۴. اگر در وقف نامه، تولیت وقف بر عهده بزرگترین فرزند پسر خانواده از هر نسل گذارده شده باشد، آیا این بدان معناست که بعد از فوت پدر، با وجود عمو، نوبت به پسر آن مرحوم می رسد یا عمو او متولی است؟

جواب: ظاهر تعیین تولیت وقف به نحو مزبور در فوق انتقال تولیت از ولد اکبر به فرزند اکبر وی است.